

عنوان مقاله:

بدایت و نهایت دوستی مدنی در فلسفه فارابی

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره 6، شماره 2 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

مرتضی بحرانی - عضو هیات علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری

خلاصه مقاله:

این مقاله تمرکز خود را بر تبیین و تحلیل جایگاه دوستی مدنی و مبدا و غایت دوستی در مدینه نزد فارابی نهاده است و از آن جا که با رویکردی نظام مند و انتقادی به بحث می پردازد بدون اتخاذ چارچوبی نظری که بتواند در ذیل آن به بررسی آرای فارابی بپردازد با روش تحلیل فلسفی به متن آثار فارابی رجوع کرده و بدایت و نهایت مطلق دوستی و دوستی مدنی را در فلسفه فارابی به بحث گذاشته است محور مقاله این است که فارابی به دوستی مدنی مثابه امری پیوند دهنده نگاه می کند امری که هر جا موجودی که لباس وجود بر تن داشته باشد بی نیاز از ان نیست البته محبت گرایی و دوست مندی موجودات نه نشان از ضعف که دقیقا نشان از کمال و کمال مندی آنان است این امر تالیف دهنده نه تنها موجد انواع مدینه است بلکه به مدد همین مقوله است که رئیس هر مدینه به امر ریاست و تذبیر امور ان می پردازد از این رو به دلیل وجه تالیف دهندگی مقوله دوستی هر جا که جمعی از موجودات حضور داشته باشند ردپای دوستی نیز از پیش آن جا حضور دارد به نحوی که می توان گفت محبت مقدم بر وجود است

کلمات کلیدی:

دوستی مدنی، فارابی، سیاسی، عدالت، مبدا، غایت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/529726>

